

مذاکرات روز یکشنبه ۲۳

دارالشورای ملی

خلاصه مذاکرات روز شنبه ۲۳ را آقا سید محمد تقی درآتش کردند. آقا محمد وکیل التجار لایحه نوشته بودند شخصاً قرائت کردند.

از قراردی که این دروزمه تلگراف خبر میدهد بعضی از عشار سرحدی عثمانی با عده از سرباز سرحدسواجیل از حدود خود تجاوز نموده و عشار سرحدی ایران زد و خورد مقتصری هم کرده اند اولاً عرض میکنم که بنده یقین دارم ممکن نیست ازین حرکت دولت علیه عثمانی و سفیر کبیر این دولت مسبوق بوده باشند و گمان نمیرود که در عهد بیستم که تمام دول در صدد حفظ حقوق عمومی بوده و هر یک نیز در حفظ نوع خود هراز گونه مجاهدات نموده بذل جان و مال می کنند و اگر یک

نفر خاج برست در ارضی بلاد شرق بملط کشته شود از تمام اروپا به ملاحظه انعامدینی و عیسویت صدا مایلند شده تا احتیاق حق نشود ساکت نمی شود دولت عثمانی که بملاحظه مذهب و اسلامیت ما باید برادر وار دست انعام داده در حفظ حقوق مسلمین تمام عالم بکوشیم بدون جهت و مقصد این گونه اقدامات نماید پس معلوم است که بدلیل نقل و نقل این مسئله برخلاف میل و اطلاع دولت واقع شده و یقین است بزودی رفع این فائله ناگوار را نموده ترضیه خاطر منویون و اگر مقتولی هم باشد بمیل خواهد آمد ولی لازم است طرف دیگر مسئله را هم بطور صراحت عرض نمایم که اگر بعضی تصور نمایند که بواسطه اتفاقات داخله واته پات وارده وقتی یافت می توانند تمدی بگذرد ایران نمایند خیالی بس خام است این حکایت بهین حکایت مختصر اقدامات طایفه الوارست که چندی قبل عرض نمودم که اختلاف بین اهالی ایران یا گفتگوی این دولت و ملت همان حکایت برادر با برادر و پدر با فرزند است و این اتفاقات حق نمیدهد بدیگران که مداخله در امورات داخله ایران نمایند و تمدی در حدود ایران کنند بلکه در اینصورت باید یقین بدانند که تا در ایران یکتفر ایرانی نژاد باقی است هرگز غیرت ایرانی او قبول نخواهد کرد که کسی تمدی به یک وجب خاک یک ایران نماید و اگر سابق بعنوانات دیگر بعضی تصرفات شده باید گفت که این سبب بشکست آن پیمانه رفعت پس بنده از طرف عموم ملت ایران که گویا مخالف نداشته باشد بصدای بلند عرض میکنم تا یکقطره خون در بدن ایرانیان مطلقاً باقی است کسی را نمی

نمیگذارند تفعلی در حدود نماید این پیشه را از گوش بکشند و نگذارند این ملت تیبب که بعد از سالهای دراز از خواب قفلت بیدار شده نخواهد ب فکر زندگی افتد آسوده مشغول امورات داخله خود باشد و الا بتاریخ رجوع نموده ملاحظه نمایند که همان منزلت است این بیابان هود که کم شد درواشکر سلم و تنوره

وزیر عدلیه - باید گفت زنده باد خون ایرانیان

محقق الدوله - وکیل التجار می خواهند بعضی اظهارات نمایند درین موقع آوردن دوازده هرابه تورپ و چهار دست عشار را با ما از ارامه سخته شدن نمی توانیم تحمل نمایم ما هم از تمام ملت ایران خواهش می نمایم که دیسگر به عتبات

رای چیست خود این مسامحه هم عشار است و اوستا لگت میسر نشد چطور میسر است یکتفر بیرند دوانندون یکساعت خلوت کنند و دستوز بدهند ولی در اینباب بمسامحه میکنند حال دومه است که میگویم آذربایجان در خطر است این نه تنها ولایات و وطن من است بلکه وطن همه شماست

حاج سید نصر الله - تمام این ها صحبت است معولات معشوش است آنها هم از روی نقشه دیگر رفتار می نمایند

سید اله حکما - بنده عرض میکنم در همه جا اصل کار با رئیس است در آذر بایجان از قرائ معلوم هر چه از حکومت آنجا میخواهند میگوید نذاریم پس تمام اینها بواسطه اینست که در تبریز رئیس نظامی نیست

حاج سید نصر الله - این همه شرح و بسط لازم ندارد آیا باید این کمیسیون دائمی با وزراء یا با معاونین آنها که گفته شد تشکیل شود یا نه اگر مجلس صلاح میدانند که باید تشکیل شود رای گرفته تمام شود

وکیل الرعایا - هر چه خواستم از پرده بیرون نیاید آخر نشد مدتی بود که بعضی از خائنین در کار بودند تا اینکه این وضع امروزه را برای مملکت فراهم آورده اند باید خواطر مبارک اعلیحضرت را از این وضع مستحضر داشت

آقا سید محمد تقی - تقریباً یک ساعت نیم است که مجلس منعقد شده بعضی از مذاکرات شد کردار عرض کردم و بعضی لوابیح هم نوشتن حال هر چه خواستم کف نفس کنم نتوانستم چون عقیده از اداست آنچه میدانم میگویم و ملاحظه هم از کسی ندارم و منترسم ماذر اینجا نشسته ایم هر روز یک هیئت یا یک وزیر را میاریم در مجلس و توهین مینماییم بعضی اسائه ادب بآنها میکنیم و ابداب و بوظیفه خود رفتار نمیکنیم و قانونی را که وزارت داخله و عدایه دادند اصلاح نمیکنیم بآنها نمیدهیم که تکلیف شان معین باشد درست است که نه این دوزخ مثل دوزا سایر دول کافی و کاردان هستند و نه ما و کلا آنو کلا هستیم پس نباید بقتدر بآنها توهین و متک کرد و اسائه ادب نمود باید با تعداو اتفاق و همدستی کار نمود من عقیده شخصی خود را میگویم و ادای تکلیف اسلامیت خویش را میکنم

آقا ملا حسن وارث - ما هم از کسی ترس و خوف نداریم آنچه میدانم و عقیده ما است میگویم و امنیت مملکت را از وزیر مشغول میخوانم

آقا شیخ حسین - آقای تقی زاده گفتند که وکلای طهران هم باید همراهی کنند حلل که اینجا نیستند بنده مکرر گفته ام که ما هم یکی هستیم تفاوتی بین تبریز و شهداز و فقه نمیکذاریم لاینز یا وزیر و شخص دوستی و دشمنی نداریم صفت خوب را خوب میگوئیم بد را اگر بد کردند البته اعتراض باید کرد و گفت بنده حضوراً بو وزیر داخله گفتم که امنیت این مملکت با شما است اگر منظوراتی دارید بگوئید تارخ شود

خیاطباشی - این ترتیبی که جناب حاجی سید نصر الله آقا شیخ حسین گفتند همان راجع به فرمایش حاجی امام جمعه است پس همان مطلب را

عالیات مشرف نشوند با ما کن مقدسه داخله مملکت مشرف کردند و همچنین حجج الاسلام منت بر ما گذارده مهاجرت فرمایند درین خصوص هم عرض خواهم داد

آقای اسلام - جهت چیست وزیر داخله بدر بار و مجلس تشریف نمی آورند

رئیس - گویا تا همتی داشته باشند فعلاً تلگرافی نواب والا فرمائند داده اند قرائت می شود

آقای اسلام - تلگراف شیراز خوانده میشود با خبر امراض مردم در موقع خطرات جمعی از اطفال سفار را جلو آب گذارده اند

رئیس - آتوق خوانده شد و داده شد به دبیر الملک اقدامات لازم بشود و بو وزیر داخله هم احتطار شده

وکیل الرعایا - درین لایحه که جناب وکیل التجار خواندند در یک جا اظهار شده که عشار عثمانی تجاوز کرده در جای دیگر اظهار شده که عسکر عثمانی تجاوز کرده درین دو مطلب جزئی اختلافی بنظر میرسد عسکر تجاوز از طرف عشار شده مطلب دیگری است و تکلیف دیگری بایست و اگر تجاوز از طرف عسکر عثمانی باشد باید چاره دیگری زد خوبست تکلیف معین شود تا ما هم قوه خود را بنصه ظهور در آورده تا این اندازه دست خوش تعدیات همسایگان واقع نگردیم در وقته سابق در عتبات عالیات چهل دو نفر از ایرانیان کشته شد و هیچ جلو گیری نشد خوبست تکلیف صراحة معلوم شود

وکیل التجار - اینکه بنده عرض کردم عشار تجاوز کرده علت داشت و آن این است که بنده باور نمیکنم در صورتیکه مسلمان با هم خاک و هم مذهب خود که دوست باشند چطور میشود که با اطلاع دولت چنین تجاوزاتی بشود

آقای میرزا محمود دخوانساری - گویا اینها نمیدانند این ایران همان ایرانی است که یکی از احاد این ملت شاه اسمعیل بود که در تاریخ شرح حالات او معلوم است و یکی نادر بود باید بدانند که تا یکتفر از ایران باقیست نمیکذارند که کسی تمدی یا بضاک ایران بگذارد

حاجی معین التجار - امروز باید ملت ایران یک اتفاق و حرکتی نشان بدهد که بر تمام دول همجوار بیداری و تنبه این ملت آشکار و معلوم گردد و آن اتفاق بطور حقیقت صورت نخواهد بست مگر برداشتن نفاق در داخله مملکت و حاضر شدن در راه وطن از جان و مال تاباندن مادامیکه یک فرد از افراد این مملکت باقی است امکان نخواهد پذیرفت که دست باین مملکت دراز کنند

آقا سید محمد تقی - یک قسمتی از عرایض بنده را آقای حاجی معین التجار اظهار داشتند یک قسمت راجع است باینکه در اینگونه مواقع حضور وزارت امور خارجه خیلی مهم است باید ایشانرا خواست و در این باب گفتگو شود تا اطلاعات صحیحه خود را بدهند و ترتیب مذاکرات معلوم باشد

معین التجار - صبح حاضر بودند و مذاکرات بمیان آمد قرائت شد که بروند در فاصله بیست و چهار ساعت یک حکم نظامی معین نمایند و آنچه لازم مذاکره است در حضور اعلیحضرت همایونی بکنند و تلگرافاتی هم که شده ارائه داده اند

آقاسید حسین - خیلی تعجب است باینکه هیچ روزی کار مجلس باندازه امروز مهم نبود با این حال امروزه و کلا ساکت نشسته اند هیچ وقت چنین اتفاق نینداهد حالکه دولت عثمانی اعلان جنگ نداده اسمش را گذاشته اند تخطی مشهوری است پس تکلیف مجلس است که بقوایم ملت به نشان بدهند که تا یک قطره خون از ملت باقی است نخواهد گذاشت کسی تخطی نماید و از مجلس بایستد نام انجمنها و سرحدات تلگراف بکنند که بتمام قوا حاضر باشند دولت تکلیفی دارد ملت هم تکلیفی داریم.

وزیر عدلیه - این ملت باید بداند و سایرین بفهمند که اگر کسی طمع داشته باشد بایران بداند که اگر چیزی بدست خواهد افتاد خاک و صحرائ غیر مزروع خواهد بود چنانچه از اهالی این مملکت به تمیث آنان تن در نخواهند داد و تاجان دارند نخواهند گذاشت.

آقامیرزا فضلعلی آقا - هر وقت اتفاقی افتاده ملت غیور ایران در کمال جلالت مردانگی خود را ظهور و بروز داده اند چنانچه بین خودشان هم اگر نفاقی بوده بوفاق و یکپهتی میل نموده چنانچه تاکنون در مواقع مهمه محسوس گردید باینکه هم عشایر سرحدات باقتضای اسلامیت اهم از سنی و شیعه با کمال شجاعت مهیا و از بدل جان و مال و ترک اهل و عیال نکته فرو گذار نیستند و بانهایت اتفاق کوشش خواهند کرد که تا یکقطره خون در هروق ایرانیان باقی است ننگ از اندی دست طمع بآب و خاک موروثی آنها دراز کنند.

حسام الاسلام - حکم دفاع شرعی است در شرم از برای لزوم دفاع تمین وقت نشد هر وقت کسی تجاوز کرد باید او را دفع کرد فعلا باید بتمام ایالات و عشایر و اهالی سرحدات تلگراف شود و در موقع که آنها از سستی وارد شوند ما هم از سمت دیگر داخل بغض آنها خواهیم شد.

آقامیرزا محمود خوالساری - مطالبی که جناب محقق الدوله اظهار داشتند بی نتیجه نماند امروز باید قرار داده شود که بموجب حکم حجج اسلامیه کسی ببتیبات عالیات نرود و کلام جدا از حجج اسلامیه استدعا و درخواست نمایند که این ترتیب تصویب و امضا و آن حکم را صادر فرمایند.

محقق الدوله - باید از طرف حجج اسلام لایحه بجهج اسلام عتیبات عرض و اظهار شود که تشریف آورده در داخله مملکت ملتا از قبض قدم خود شاد فرمایند بجهت نرفتن زوار هم باید بصدای بلند بتمام افراد ملت اطلاع داده شود که بقرت اسلامیت از امروز کسی ببتیبات عالیات نرود تا ساسد این اجحافات شود.

آقاسید محمد جعفر - دول مجبور بواسطه اختلال و افتشاش داخله بطمع افتاده اند حتی هم دین ما هم که همه تم باید در حفظ و وقایه مایر حسب اتعاد اسلامیت سامی و جاهد باشد او هم بخیالات واهی افتاده ولی باید بدانند که این خیالی است بس خام و بیان و سایل احدی نخواهد توانست دست طمع باین خاک دراز نماید.

حاج معین التجار - باید بامورین سرحدی امر شود که بحکم حجج اسلامیه از سایرین و زوار معانیت بنمایند.

حاج میرزا علی آقا - در قرآن مجید خلاق متعال در ضمن آیه وافی هدایه.

(لن ینالین من المؤمنین الا لایلی و اینهما وان بشت احدیها علی الاخری فقاتلوا اللئین حتی تقهر الی امرایه)

تکلیف ماسلمانان را بایکدیگر معین فرموده ترجمه آیه شریفه چنان است که هر که بین دو طایفه از مشلمین نزاع و خصومتی آشکار شد در دنه اول بایست در دفع ذات البین و اصلاح بینهما کوشش نمود پس بروکلای عظام است که اول از در صلح بر آیند و به بیننده منشاء فساد چیست هر گاه صلح بیشرفت حاصل نمود و از طرفی سر کشی و طغیان ظاهر گردید یعنی در خاک یاد مال دیگری تصرف نمود آنوقت بحکم خدا لازم است که عموم مسلمین ظلم او را بوجوب این آیه دفع کنند.

حاجی معین التجار - در بیست روز قبل چهارده مراده توب و عسکر دوسرحد عربستان تجاوز کردند بمرحمتی خان آنها را رد کرد و چند نفر هم کشته شد بدخواستش آن دستگیر کرد و معمار امرخص کردند بعد از آن مدتی بود اهل آذربایجان از عشایر سرحدی آنها شکایت داشتند یک اردوی مختصری فرستاده بودند بجهت امانت از تهدیبات عسکر عثمانی و شرارت عشایر بعد از رفتن آنها از شش فرستکی چهار فوج سرباز چهار مراده توب پیش آمده بودند سؤال و جواب بر اینها حمله کرده اینها هم باقتضای وقت عقب نشسته جمعی دختر وزن از ارامنه و غیره ب تصرف آنها رفته حتی مهلت خواسته اند که بظهران اطلاع بدهند قبول نشده از حاکم از انجمن متواتراً خبر رسیده قریب یکصد نفر هم مجروح و کشته شده

آقامیرزا محمود - ممدن طلایی در ساو جلاغ پیدا شده مخصوصاً دولت عثمانی عسکری باعشایر فرستده و ممدن را ب تصرف شده اند.

صدیق حضرت - مقدمات و مؤخرات این اقدامات عثمانی طولانی است این اختلاف اختلاف

سرحدی است که از دو سال است شروع شده و در پنجده سال قبل که تعدید حدود شد باطلاع سفیر دولت انگلیس و روس خواستند بواسطه پیاده ادمامای عثمانی این معامله را قطع و فصل نمایند و نقشه کشیدند بعد از تمیین حدود یکقطعه دران میانه متنازع قیامانده و همین طور مانده تا دو سال قبل که بواسطه بعضی هوانه ها مستمسک بدست آورده بود و قتل جعفر آقا را بهانه گرفته بود تخطی کرده تا امروز که کار بانجا کشیده که دوازده مراده توب و چهار هزار سرباز از شش فرستکی حمله نموده و چند نفر را کشته و از انجام بسر قلمه ارامنه ریخته و شصت نفر اسیر کرده قلمه راهم خراب کرده اند.

حسام الاسلام - آنها از دروازه آذربایجان آمده اند ما از دروازه عراق حرب مهرویم حکمش این است.

حاجی معین التجار - دروازه آذربایجان راهم نباید گذاشت از همین جا باید جلو گیری کرد.

آقاسید عبداللّه هجهد - حاج معین صحیح میگوید ما امروز از ملت آذربایجان باحمت تر و باغیر تر نداریم تمام بعد از مردمان شجاع جنگی هستند عیال خوب است تلگرافی کنیم و از علمای آنها حقیقت طلب را استفسار کنیم خودمان هم حضورا پیش شاه بریم و کسب تکلیفی نماییم هر موقعی که راسخ یک امری شدیم البته همه قسم دستور العمل داده خواهد شد (در این موقع حاجی

امام جمعه تشریف آورده و تلگرافاتی که از آنجا ملی ارومیه رسیده بود بمجلس ابلاغ داشتند و بر حسب امر رئیس تلگرافات قرائت شد مشر بر ظهور و بروز اشرار و عشایر و مساکر سرحدی و قتل و تهب و غارت اموال آن بیچارگان بعدی مضامین تلگرافات مهیج و حزن انگیز بود که از روی بی طاقتی اشک از چشم حضار جاری غیرت اسلامیت باحمت ایرانیت توأمأ بهیجان آمده و کلای غیور تاب جلوس و ترتیب لوظیف خود نداشتند حالت غریب و وضع عجیبی دست داد جمیع فوق العاده که به اضافه از عده که بوسیله بطیعه بعضی میمنت و مبارکی وادای ذمه خود در یاس این اساس مقدس همه روز در مجلس رسمی حاضر میشوند در صحن اول عمارت بهارستان ازدحام داشتند امروز پس از استحضار اجامی از وضع مجلس و استنباط سدوت و هروض

وقه تازه معلوم آورده باینکه حراس و حجاب ابواب در هر دری بانهایت ظلمت جلو گیری کردند فائده نبخشیده بالاخره از ریاست مجلس اجازه خواستند و یکمرتبه متجاوز از پانزده هزار جمعیت بداخل مجلس ریخته هیجان و اضطراب غریبی نمودار شد یکدل و یکجهت در حفظ و وقایه اساس مملکت از جانب خود و عموم افراد ملت جاناً و مالاً عرضا و شرفاً داد همراهی زدند.

حاجی امام جمعه - در دو سال قبل یک نفر رعیت امریکائی بدست همین ایل دشتی کشته شد اول پنجده هزار تومان گرفتند بعنوان اینکه دوسه نفر دارد باید با این وجهه ماش خوردا بگذرانند پس از بلوغ آنها حق دارند که بیایند ادهای خون بهای پدر خود را نمایند دولت خواسته است همین دشتی را تشبیه نماید دولت عثمانی این حمایت را کرده است.

آقاسید عبداللّه مجتهد - مختصر این است که بهر ترتیبی است درست بایست جلو گیری شود

حاجی امام جمعه - در اینجا میخوانند عثمانیها باین ترتیب دهوی سرحدی کند این اردوی دولت که رفته است آنجا آنها گفته اند شما باید در مدت شش ساعت از اینجا عقب بنشینید و مهلت نداده ریختند غارت کرده اند تلگرافات دیگر از ارومیه و انجمن تبریز مشر بر مطالب تلگرافات سابقه رسیده بود قرائت شده هیجان و التهاب فوق العاده بر حضار دست داد.

تلگرافی از طرف وزیر داخله بنواب والا فرمانفرما شده بود بدین مضمون.

بندگان اندس اعلی حضرت نواب والا را بایالت مستقله و سرداری آذربایجان مأمور و مقرر فرموده اند در ورزه حرکت نمایند.

شاهزاده فرمانفرما بایک حالت رقت انگیزی اظهار داشتند والله باید باجان و مال حاضر شویم که خاک ما از دست نرود.

حسنعلی خان - تمام این ترقیاتی که در دنیا بدیندار شده و تباچی که از تمدن گرفته شده محض این است که یکفرقه بایکطایفه که ساکن یک خاک می هستند و در آنجا مسکن دارند این آب و خاک را ملک خود بدانند و بتمام دول استقلال خود را گوشزد نمایند چنانچه دول اروپ کرده اند اینهمه اختراعات عجیب و صنایع بدیع و ایجاد توب و تفننک و آلات حرب جدید تمام محض آنست که بیجهت ظالمی بر مظلومی استیلا نیابد و حقی را بناحق ضایع نسازد والا هیچ

لایحه بر این اختراعات مترتب نخواهد بود در هر کجا یک تمدنی واجتماعی ظاهر شده و مملکتی بنا روا از دست جیمی خارج گردیده بناچار صورت ظاهری را به عنوان تربیت سکنه آن با تنظیم داخله آن دست آورده اند.

اما ما امروزه بهیچ حیث از سایر دول عقب نیستیم که وسیله دست آویزی از برای خود ترتیب دهند اخلاق ما بعدالله صعیب است دین مقدس ما بالاترین نام ادیان است که سایر دول از ترسعات و ثمرات دین مقدس ما باین مرتبنا بایل شده اند با اینحال امروزه ما نیست که ما ماسکت بنشینیم و احقاق حقوق حقه خودمان را نتوانیم باین معدلتخانهها و یارلانهها که امروز در هر مملکتی دایر است مجلس فوق العاده لایحه که در پای تخت هلاند است تشکیل یافته که از طرف کلبه دولت نماینده در آنجا هست امروز تکلیف آنها این است که تکذارتند کسی بر کسی ظلم کند در بیست روز قبل بنده رفته و بمحشتم السلطنه معاون وزارت داخله گفتم که تکلیف ماینست که دستراعمل امروزه از برای نماینده ایندولت در انجمن صلح لایحه معین کنیم که از روی آن اقدام کنند نمیدانم تا اکنون اقدام شده است یا خیر گمان میسکنم که اگر امروز از طرف عموم ملت اعلانی بانجلس بشود از هر حیثی منتج بود میباشد.

احسن الدوله. فعلا باید نتیجه گرفت و تلگرافانی لازم است شود.

آقا میرزا سید محمد مجتهد اولا باید دولت سؤاں وجواب کند که علت این تعدیات چیست اگر رفع نشد آنوقت همه ما باجان و مال حاضریم از قطره خون خود هرگز مضایقه نخواهیم کرد اول کسی که وظیفه اسلامیت خود می داند کاز این تعدیات بهمه قسم جلوگیری کند ما هستیم حاضر هستیم که پیشقدم تراز همه جان و مالا کوشش کنیم و عموم ملت راهم در این راه وادار نماییم.

فرمانفرما - ا حمدان تسمی که حضرت حجة الاسلام فرمودند باید اول دولت سؤال وجواب نماید اگر رفع نشد اقدام کردند باید همه قسم جلوگیری کرد و اعلان نمود که اگر دولتی بخواد بیک وجب خاک ایران طمع کند باید بداند که جان بنده تاجان در بدن دارد بچنگ آنها نخواهد افتاد فقط اگر بتوانند خاک خواهند گرفت و بس.

حاج امام جمعه - امروز شما حاکم ما هستید بدانید الساعه اطراف اردبیل قتل وفارت است و اهالی آنجا گرفتار بیه ظلم هستند هر چاره ای میتوانید فوری بکنید.

فرمانفرما - امشب میروم خدمت اتابک و تکلیف را معلوم میکنم و اطلاعات خود را در اینخصوص اظهار می نمایم.

آقا امیرزا سید محمد مجتهد - باید تا فردا معلوم شود.

آقا سید عبدالله مجتهد - اگر بسؤال وجواب دولتی رفع این فتنه نشد اول کسی که اقدام باینکار خواهد کرد ما خواهیم بود.

فرمانفرما - البته وظیفه و تکلیف شما که رئیس ملت هستید همین است.

آقا امیرزا محمود - باید از طرف جمیع اسلام تلگراف خود که از امروز زوار نروند.

حاج امام جمعه - دوام است در اطراف آذربایجان و سایر جاه این انقلابات بود ولی

هیچ جا اینطور نبوده باید فرض را کنار گذاشت و بهمت و اتفاق باید جلوگیری کرد نه اینکه وزیر ایگوندت تغییر باشاهاست و ما بگوئیم تغییر با آنهاست (در اینصورت بجهت شدت هیجان و اجتماع فوق العاده مردم مجلس رسمی بسجلس مخصوص مبدل گردید و مذاکرات زیاد در مسئله تجاوزات هشایر و مسکر سرحدی دولت عثمانی بیان آمد و حجة الاسلام آقای سید عبدالله اینطور عقیده داشتند که تلگرافی از طرف آقایان حجج اسلام بشخص سلطان عثمانی بشود و از جهت این اقدامات که متانی با قواهد اسلامیت است و برخلاف وظیفه و مهادنات بین الدول والممل است سثوال کنند این رای را بسیاری تصویب نکردند و عقیده بعضی این بود که شخص سلطنت عثمانی از این اقدامات وحشیانه اطلاع ندارد که هشایر و مساکر سرحدی اینگونه تجاوزات کرده اند بسیاری برخلاف این مسلک بودند که اقدامات مسکر بدون اطلاع و اجازه دولت غیر ممکن است و بالاخره آراه بر این استقرار یافت که تلگرافی فعلا بدوم انجمنهای تبریز و ارومیه و ساوجبلاغ مضایره شود که خلاصه مضمون آن اینست (از وصول اخبار موحه که از سرحدات میسرند تجاوزات غیر مشروع هشایر و مساکر سرحدی عثمانی را اعلان میدهند تمام ملت متأثر و مهبای همه قسم جان بازی هستند و البته خاطر آقایان مستحضر است که ملت ایران در اینگونه مواقع همه وقت داد غیرت داده اند و از جان و مال و ناموس خود در حفظ دین و وطن خود مضایقه نکرده اند دولت علیه هم با تمام قوت و قدرت برای جلوگیری از این حوادث حاضر است و اولین اقدام دولت این است که حضرت اشرف والا شاهزاده فرمانفرما را که از کفایت رجال و سرداران محترم و شاهزادگان معظم است و سابقه اطلاعات از احوالات آن حدود دارد با تصویب مجلس شورای ملی و تصدیق آقایان حجج اسلام بحکومت فرمانفرمای آذربایجان و ریاست و فرماندهی ک فئوشن آن حدود منتخب فرموده اند و شاهزاده فرمانفرما بحکومت آذربایجان را بمشروطگی قبول نمودند و فوق آنچه شماها انتظار دارید بمجلس مساعدت خواهد کرد و البته برعهده تمام انجمنها است که با خیالات عالی او مساعدت نمایند) و نیز قرار شد مجلس با حضور وزارت داخله و سایر وزرا و عظام و آقایان حجج اسلام و منتخبین از کلا جابلای معتمد شود که با کمال دقت در این امر مشورت نمایند و بهر وسیله که اسرع است از این حوادث جلوگیری نمایند و رفته حضاریه از طرف مجلس بوزارت داخله نوشته شد شاهزاده فرمانفرما بتمام مجلسیان اطمینان داد که در این ماموریت از قبل جان و مال مضایقه نمایند و مجلسیان اظهار نهایت تشکر از حسن نیت او نمودند و خدمات او را نسبت با اداره کردن وزارت جلیله عدلیه ستودند و از این که بعضی از و کلا دو روزه قبل بایشان توهین کرده اند در روزنامه مجلس هم نوشته شده بود از طرف مجلس امر شد که معذرت خواسته شود.

مذاکره ات سنه شنبه بیست و ششم شهر جمادی الثانی دارالشورای ملی
 خلاصه مذاکرات روز یکشنبه ۲۴ را آقا سید محمد تقی قرائت کردند.
آقا سید محمد تقی - اجازه گرفته ام کتاب رئیس و میخواستیم نیم ساعت اظهارات خود را

بنمایم ولی بواسطه اینکه وقت مجلس و حق سایرین ضایع نشود مختصراً اظهارات خود را روی کاغذ آورده هر فرمی بنام (قرائت کردند)
 بسم الله الرحمن الرحیم چندی بود که بعضی اوراق ژلاتینی اشخاص بی شرف و ناموس که وجهاً من الوجوه استشمام رایحه طیبیه شرع و شریعت و انصاف و انسانیت را نکرده بین خواص و عوام منتشر کردند که مندرجات آنها اهانت باشخص محترم از رجال دولت علیه بود اگر اظهاری می شد که باید از این گونه اشخاص جلوگیری کرد نسبت استبداد و ضد مشروطیت بدانمین آن میدادند چون کون در ترقی است بواسطه مسامحه و مداخله در دفع و منع آنها هم ترقی کرده نسبت بعلما و بزرگان دین و سادات محترم که ذاری رسول صلی الله علیه و آله وسلم و طلاب مکرمند بهاراتی بیج و مستهجن در مقام هتاک و بعضی عنوانات سوء بر آمده بواسطه القاء شهنه که همین اشخاص خذلند الله تعالی فی ما بین علماء اعلام و حجج اسلام همه الله المسلمین طول بقا فهم کرده و میکنند اگر کسی در مقام منع خواست بر آید خوفا للتهمه خود داری نمود مع ذلک بنابر وظیفه اسلامیت از راه (من آنچه شرط بلاغ است با تو میگویم) در نقاط لازمه اظهار تشکی از عدم جلوگیری آنها کردند ابتدا مفید قائمه نشد حمل بر فرض کردند این مطلب موجب تجری ناشرین آن اوراق گردید بدرجه که نسبت بشرع و شریعت و نفوس متدنه آن بیانات کاذب هیچ کافر و لامذهبی اظهار و نشرش پسندیده نبود نشر و منتشر گردید که بیانش اقیح از اظهارش است دافعوش داشتیم که اینگونه مطالب را اشخاص لامذهب و طایفه ضاله مضله و فاسدین فیما بین دولت و ملت نشر می دهند این هم یکقسم از فطام الطریق است اعتنائی باینها نباید کرد دیدند که باین هم نتوانستند اختلاف و استتلابی در مملکت حاصل کنند تا علناً اظهار عقاید باطله خودشان را بنمایند بنا را بر اتهام بعضی از و کلاء محترم دارالشورای ملی شیدا لله ارکانه گذاردند در یکی دو مجلس علناً اظهار شده که باید از این اشخاص حق نشناس جلوگیری کرد توجهی ننمودند تا در مقام جسارت و اهانت حضوری حتی ضرب و قتل بعضی از محترمین و کلا بر آمدند هر چه گفته بوشته شده که اینگونه اشخاص مسد داخل در مقدسین فی الارض هستند و نباید مجازاتشان داد که تولید فتنه دیگری نشود کسی در مقام مؤاخذة و اجرای آن بر نیامد تجری بعدی رسید که همین اشخاص بیدین خدا نشناس که غرضی جز فساد در دین و توهین متدینین و القاء همدات فیما بین دولت و ملت و انضجار خاطر عموم ملت از و کلاء محترم خودشان چیز دیگر ندارند اوراق ژلاتینی منتشر کردند که فلان و ککیل و فلان منتخب از فلان وزیر رشوه گرفته که همراهی با او بکنند این تهمت را زدند که شاید باین واسطه زبان خیر خواهی ایشان را در ملت پرستی و دولت خواهی و حفظ قوانین شرع در مجلس سکوتاه نمایند غافل از این که این گونه اظهارات و اتهامات موجب جلالت و جرئت اشخاص متدین و بمقاد آیه وافی هدایه (عسی آن تجواشبتا و هو شر لکم) زبان آنها دراز خواهد شد بدون ترس و بیم که گفته اند (تو یک باش مدارای برادر از کس باک)
 (زنده جامه نایک گلزاران بر سنه)
 بیش از پیش در مجلس مقدس مقابله خودشان را بالسان حق گوئی در منح آنها و اصلاح حال